

یک بازیگر است. جابجایی صحنه و دکوری با این حجم بزرگ و تلاشی که در این هنگام وجود دارد استعاره‌ای از آن تلاش بزرگی است که برای رسیدن به نقش و روی صحنه بردن یک اثر انجام می‌شود. اینکه بازیگران باید چقدر از امکانات شخصی خود بزنند و از خواسته‌هایشان چشم‌پوشی کنند تا بتوانند روی صحنه زندگی کنند به همین جهت روی طراحی تک تک بازی‌های کسانی که در بخش چرخاندن صحنه و تعویض دکور ایفای نقش می‌کنند دقت زیادی شد تا نمایانگر آن تلاش از چشم پنهان مانده بازیگران و عوامل یک تئاتر باشد.

آیا می‌توانیم تاثیر کم‌دی را در درک موقعیت‌ها و وقایع بیش از ترازوی بدانیتم؟

نیچه می‌گوید در ده‌های بزرگ را نمی‌توان گریست باید خندید. اینجاست خواهیم به پرده سوم نمایش اشاره کنیم که کاملاً با نمایشنامه اصلی فرق می‌کند و حاصل دراماتوزی من و گروه است. ما در آن واحد هم پشت صحنه را می‌بینیم و هم روی صحنه را و این ترکیبی از کم‌دی و ترازوی است که انسان باید به یک چشمش بخندد و با چشم دیگرش گریه کند. معمولاً لحظات کم‌دی در یک نمایش باعث می‌شود که ما در لحظات ترازویک را بیشتر حس کنیم چرا که مغز مفر و فرصتی می‌یابد تا نفسی بکشد اما تا می‌خواهد این نفس را بیرون دهد سیلی سختی بر او نواخته می‌شود که ترازوی است. من تلاشم این بوده که آن ترازوی عمیق را نشان بدهم وقتی در صحنه‌ای یکی از کارگران صحنه در چاهی می‌افتد و می‌میرد و دیالوگ‌ها اینگونه است که مردم می‌گویند بله و بعد آیا بیمه بود؟ می‌گویند نه و می‌گویند ادامه می‌دهیم. این ادامه دادن بعد از یک صحنه در دناکی که یکی از همکاران مرده بدون اینکه حتی بیمه داشته باشد درست مانند ادامه دادن به خودکشی است. یعنی کار هنری در این لحظات تاریخی بگونه‌ای خودکشی کردن است و این به نظر تاثیر کم‌دی است که تماشاگر در آن لحظه می‌خندد اما در ادامه نمایش سیلی سختی دوباره بر گوش تماشاگر نواخته می‌شود. این لحظات کم‌دی دقیقاً کار کردش این است که موقعیت ترازویک افراد و ترازوی وجود در موقعیت‌ها بیشتر به چشم بیاید و تماشاگر آنها را بیشتر لمس و درک کند.

سام کی‌دوند:

هر شب با اتفاق جدیدی روبرو می‌شوید

تئاتر چه خصوصیتی دارد که بازیگران آن این چنین شیفته‌اش هستند؟

برای من شخصاً لذتی که در بازیگری تئاتر وجود دارد، اینکه شما از صفر تا صد مثل یک مجسمه ساز که یک مجسمه یا تندیس را می‌سازد کارا کرتان را ریز به ریز می‌سازید، در مرور تمرین‌های چند ماهه بالا می‌آید و این را روی صحنه انجام می‌دهید و هر شب با اتفاق جدیدی روبرو می‌شوید خیلی لذت بخش است. الان هشتم درصد ما بازیگرها جلوی دوربین بیشتر خودمان را بازی می‌کنیم، یعنی بازیگر جلوی دوربین در آن لحظه فقط سعی می‌کند دیالوگ خودش را درست بگوید و ریتم را درست کند و حس آن لحظه را در بیاورد، پس ما به سمت کاراکترسازی یا تیپ‌سازی‌های عجیب غریب نمی‌رویم این بیشتر به خاطر شرایط فیلمبرداری، تایم کم آن، فیلمنامه‌های ضعیف و انتخاب بازیگرهای غلط است. می‌بینیم که از یک بازیگر فقط و دائم در یک کاراکتر استفاده می‌شود و بازیگر در هشتم درصد مواقع خودش را بازی می‌کند، ولی در تئاتر اینگونه نیست و برای همین لذتی که در تئاتر برای من وجود دارد بسیار بیشتر از جلوی دوربین است.

تئاتری‌ها چقدر در تماشای آثار همدیگر یا تبلیغ برای کار همکاران‌شان هوای همدیگر دارند؟

تا جایی که اجراهای آنها هم‌زمان نباشد، تا جایی که با هم رفاقت داشته باشند و تا جایی که من می‌دانم در پیج‌های شخصی کارهای همدیگر را تبلیغ می‌کنند و سعی می‌کنند به همدیگر کمک کنند.

محمد صدیقی مهر:

تئاتر به ماده‌ای مخدر می‌ماند

نقش چه ویژگی‌هایی داشت که آن را پذیرفتید؟

قبل از نقش خود متن است، یعنی کلیت متن و قبل از متن حتی علیرضا کوشک جلالی، یعنی کارگردان برای من اینجا اول قرار می‌گیرد، بعد متن است و بعد از آن ورود می‌کنید که کدام کاراکتر؟ اینجا من انتخاب می‌کنم که کدام یکی از آدم‌های نمایش را بازی کنم، کارگردان پیشنهاد می‌دهد و من پیشنهاد می‌دهم و در نهایت به نتیجه می‌رسیم، در این نمایش هم این اتفاق افتاد.

تئاتر چه خصوصیتی دارد که بازیگران آن اینچنین

شیفته‌اش هستند؟

تئاتر مثل یک ماده مخدر می‌ماند! تئاتر جوری است که همه آدم‌هایی که دارند کار می‌کنند می‌دانند برای آنها ضرر دارد، آنها را از زندگی و خیلی چیزها می‌اندازد، شرایط مالی بدی برای آنها ایجاد می‌کند، اما بدن آنها شروع به لرزیدن می‌کند و باید از آن استفاده کنند و وقتی استفاده می‌کنند یک نفس راحت می‌کشند، می‌دانند تئاتر با آنها چکار می‌کند اما راهی از آن بسیار سخت است.

به آینده تئاتر ما چقدر خوشبین هستید؟

متأسفانه از هر دری به آن نگاه کنید وضعیت بسیار اسفبار و اسفناک است، میزان سانسور، وضعیت مالی و این سرخوردگی هنرمندان در هر زمینه‌ای، چه در تئاتر و چه در سینما، اوضاع زیاد جالب نیست.

فکر می‌کنید مخاطبان این اجرا بیشتر چه کسانی باشند؟

درست است که مخاطبان تئاتری و آدم‌های هنری بیشتر با این اجرا ارتباط برقرار می‌کنند ولی برای مردم عادی هم این جذابیت پشت صحنه خیلی جالب است، وقتی با آدم‌ها صحبت می‌کنیم یا در تیوال نظر می‌گذارند می‌بینیم که چقدر برای آنها جذاب بوده است، به هر حال آنها هیچوقت پشت صحنه تئاتر را تجربه نکرده‌اند و الان در این نمایش خیلی عریان آن را می‌بینند.

سلبریتی‌ها چقدر به بیشتر دیده شدن تئاتر کمک می‌کنند؟

فکر می‌کنم مردم دیگر متوجه این شده‌اند و تئاتر را دنبال می‌کنند که تئاتر خوبی باشد و آنها را جذب کند. تئاتری که متن خوبی داشته باشد و بازیگران آن چه سلبریتی و چه ناشناس بتوانند نقش خودشان را به بهترین نحو ممکن روی صحنه باورپذیر اجرا کنند. آن دوران سلبریتی‌ها در تئاتر سر آمده است.

از تجربه کار کردن با «علیرضا کوشک جلالی» بگویید.

حافظ اسمی خانی: این نخستین تجربه همکاری من با استاد کوشک جلالی است و قطعاً خاطرات خوش این همکاری سال‌ها در ذهن من باقی خواهد ماند

محمد صدیقی مهر: به هر حال من چهار سال است کار نکرده‌ام و همچنان هم نمی‌خواستم کار کنم، به خاطر آقای کوشک جلالی آمدم کار کردم و شاید بعد از این هم نخواهم کار کنم، چند آدم در زندگی تئاتری من هستند که الان دوست دارم فقط با آنها کار کنم و در صورتی که آنها بخواهند کار کنند و پیشنهاد بدهند باز هم کار می‌کنم، وگرنه کار نمی‌کنم.

تلخ‌ترین بخش کار تئاتر چیست؟

حافظ اسمی خانی: تلخ‌ترین بخش آن ماه‌ها تمرین سخت و فشرده و در نهایت مجوز نگرفتن و اجرا نرفتن است.

محمد صدیقی مهر: تلخی تئاتر این است که شما را از خیلی چیزها در زندگی محروم می‌کند و شاید خیلی موقعیت‌ها را از شما بگیرد، مثلاً از لحاظ مالی شاید خیلی از هم‌دوره‌ای‌ها و افرادی که تحصیلات دیگری داشته‌اند عقب بمانید، یک آدمی مثل من که تحصیلات آکادمیک دارد و فوق‌لیسانس نمایش است را با یک آدمی که مثلاً متالوژی خوانده مقایسه کنید، حقوق‌هایشان را کنار هم بگذارید بعد به جواب خیلی از سوالات می‌رسید.

موفق شدن در تئاتر بیشتر تحت تاثیر تکنیک و خلاقیت‌های فردی است یا دانش و سواد هنری آکادمیک؟

خاطره اسدی: فکر می‌کنم هر دو، تلفیق آنها به خاطر اینکه از لحاظ فردی حالا یک مواردی دانش و خلاقیت خودمان است و می‌آییم به نقش اضافه می‌کنیم و یک بخشی هارمونی است که با کل مجموعه هماهنگ باشیم و بتوانیم پیش برویم.

محمد صدیقی مهر: همه چیز با هم است، زیستن، زیستن و زیستن مهمترین کمک را به بازیگر می‌کند، هر چقدر بیشتر زندگی کرده باشید و هر چقدر بیشتر رمان خوانده باشید بازیگر بهتری هستید، همه اینها در کنار هم یک بازیگر خوب را می‌سازد.

وجود کاراکتر یا متن‌های کم‌دی حتی کوتاه، چقدر به جذب و رضایت بیشتر مخاطب کمک می‌کند؟

خاطره اسدی: من فکر می‌کنم در سال‌های اخیر به خاطر فشارهایی که همه ما دچار آن هستیم، چه در سینما و چه تئاتر همه به سمت کم‌دی می‌روند، حالا سلیقه من شخصاً کم‌دی موقعیت است، یک کم‌دی تمیز که در این نمایش وجود دارد.

علی ابدالی: کم‌دی شیوه‌های مختلف و ژانرهای خیلی پیچیده‌ای دارد ولی کلاً الان در موقعیتی که ما هستیم به نظر می‌رسد که در این نمایش می‌تواند خیلی به جذب مخاطب کمک کند، به خاطر اینکه آدم‌ها دوست دارند ببینند و یکی دو ساعتی از این فضا و آلودگی و هزار حاشیه‌ای که وجود دارد فارغ شوند، برای همین در هر کاری که شخصیت، کاراکتر و موضوعی دارد که یک ذره آدم‌ها

سرگرم شوند و حالشان خوب شود، به نظر من هم می‌تواند برای فروش و هم کیفیت کار خیلی کمک کننده باشد.

محمد صدیقی مهر: متن کم‌دی به خاطر شرایط جامعه و اینکه آدم‌ها دوست دارند لحظاتی را داشته باشند که از دنیای بیرون کنده شوند، جایی باشد که لحظات شادی را سپری کنند بسیار مهم است اما اینکه این کم‌دی چطور می‌خواهد از آنها خنده بگیرد مهم‌تر است، یعنی ما اگر بخواهیم با دیالوگ‌های سخیف و هجو خنده بگیریم، البته که می‌توانیم بگیریم ولی اثرگذاری نداریم و همه چیز در سالن نمایش یا سینما تمام می‌شود و مردم بیرون می‌روند، اما زمانی که شما بتوانید کم‌دی عمیق داشته باشید که مردم را به فکر فرو برد و آنها ساعتها بعد از نمایش و شاید چند روز بعد به چیزی که به آن خندیده‌اند فکر کنند توانسته‌اید یک امر مهم را محقق کنید.

شرایط تئاتر را بعد از کرونا و آن اعتراضات چگونه می‌بینید؟

علی ابدالی: در زمان کرونا که ما خیلی آسیب خوردیم، چون حداقل خود من کار دیگری انجام نمی‌دادم و همه جای دنیا تعطیل شده بود و ما هم طبیعتاً تعطیل شده بودیم، ولی بعد یواش یواش شروع کردیم به کار کردن با ماسک و در شرایط خیلی سخت تمرین می‌کردیم، بعد از آن اتفاق‌ها خیلی‌ها تصمیم گرفتند کار نکنند یا مثلاً کارهای زیرزمینی انجام بدهند که بازبینی نرود یا به هر دلیلی که من برای آنها احترام قائل هستم اجرا نرود، اما هدف من در زندگی این بوده که بتوانم حداقل هم خودم رشد کنم و هم اثری را خلق کنم که یک انسان چند دقیقه بتواند به آن فکر کند و این برای من با ارزش است، کار من تئاتر است و خانه من این صحنه است، من نمی‌توانم به خاطر مسائل حاشیه‌ای تئاتر را کنار بگذارم، با احترامی که به همه عقاید دارم می‌آیم کارم را انجام می‌دهم و با افتخار با دوستان خیلی بزرگی هم کار کرده‌ام، به نظر من هر کس می‌تواند مسیر خودش را برود ولی من تازه هستم، اگر کیفیتی در کار من باشد و انتخاب شوم و به خاطر اینکه آن پیام را می‌توانم روی صحنه به مردم برسانم با افتخار روی صحنه می‌آیم.

خاطره اسدی: کلاً بعد از کرونا همه چیز تحت تاثیر قرار گرفت و شکل آن عوض شد، حتی تئاتر.

دلسا کریم زاده:

بنوعی باید ارکستر رهبری می‌کردم

از دلیل پذیرفتن این نقش بگویید.

تجربه کار کردن با آقای کوشک جلالی بسیار جذاب و جالب بود. من دورادور ایشان را می‌شناختم ولی متأسفانه افتخار این را نداشتم که تا این نمایش بازیگر ایشان باشم و دومین عامل مهم متن به شدت جالب و چالش برانگیز این نمایش بود.

نقش شما کاراکتری است که به شدت بر احساساتش باید کنترل داشته باشد در عین حال تکاپوی زیادی در صحنه دارد.

برای یک بازیگر بسیار جالب است که هم‌زمان چند حس را بتواند انتقال دهد. اینکه من بتوانم احساسات خودم را در لحظه‌ای از نمایش که برای کاراکتر یک مشکل بزرگ رخ داده کنترل کنم و در کنارش بتوانم بنوعی رهبری ارکستر انجام بدهم. برای این نقش باید تمام جزئیات را هماهنگ می‌کردم و بازیگرانی که روی صحنه بودند را به درستی هماهنگ کرده روی صحنه می‌فرستادم و هم‌زمان باید ناراحتی خودم را نیز کنترل می‌کردم ترکیبی از احساسات مختلف بود که برای خودم هم خیلی جالب بود. شاید چند اجرای اول هم کمی سخت بود ولی به آن نقطه‌ای که می‌خواستم در انتقال حس رسیدم و از همه مهمتر تلاشم بر این بود که بتوانم نقش‌ام را تا حدودی دوست داشته‌ی کنم که فکر می‌کنم موفق بودم.

در پرداخت به نقشتان بیشتر چه ویژگی‌هایی را مد نظر قرار دادید؟

من بیشتر تلاش کردم برای این نقش مدیریت را در نظر بگیرم هم مدیریت کنترل احساس خودم و هم مدیریت بازیگرانی که به اقتضای نقشم باید آنها را مدیریت می‌کردم. بازیگرانی که در این نمایش میزانشان‌های فراوانی داشتند. می‌گویم مدیریت چون جدا از حرفه و شغل بازیگری شغل دوم خودم هم مدیریت است و برای رسیدن به این نقش از آن بسیار کمک گرفتم.

در این نمایش کنار بازیگرانی ایفای نقش می‌کنید که هر کدام وزنه‌ای در عالم بازیگری هستند.

کار کردن با آقای چنگیزیان، خانم فراهانی و بقیه دوستان عزیز برای من تجربه درخشانی بود چرا که به شدت بازیگران همدلی بودند و خیلی به من کمک کردند. مسلماً از این نمایش و پروژه تجربه زیبا و جالبی را با خود به همراه خواهم برد.